

مثل ژاپنی‌ها کار کنیم خوش‌هنگام باشیم

امیر حسین ذاکری روزنامه‌نگار

به سخنان دکتر روحانی فکر می‌کردم که دوست اهل تله‌پاتی‌ام در تماسی گفت: به چیزهای بگم چون آگه نگم رو دلم سنگینی می‌کنه چون بدجور اهل روشننگری و شفاف‌سازی‌ام. رئیس دولت گفتند: باید مثل ژاپن بعد جنگ جهانی روزی چند ساعت کار کنیم چند ساعت هم مجالسی کار کنیم. به اشکالی به این سخن واژه. من جمع و تفریق کردم جذر گرفتم دیدم با این تورم‌ها افزایش نرخ‌ها اتوماتیسین بسیاری از مردم مجالسی کار می‌کنند چون با آمدنشان قدرت خرید ندارند. پیام مثالی می‌زد می‌گفت: «ما حمال مفتیم» راست می‌گفت.

البته آیا مسئولین ما هم سبک مدیران ژاپنی کار می‌کنند؟ آیا وقتی یونیمو کاراکی شهردار توکیو وقتی دید یکی از معاونینش بدبخت مادرمرده سا نفوذ خود ملکی را با کمی تخفیف خریده تو روزنامه توکیونیز متعلق به شهرداری تیتز نزد ای‌وی بر من که معاونم چنین کرد. بعد هم معاون را عزل کرد هم خودش استعفا کرد بعد در دفترش با شمشیر سامورایی خواست‌ها راگیری کند که معاونش دست او را گرفت و گفت قربان معاون شما هر چه کرده در پاکدستی شما شکی نیست. یا وقتی نوشیم و ناواتاکی وزیر کشاورزی دید قیمت محصولات بالا رفته سیستم دلالی باب شده قیمت محصولات کشاورزی چند برابر به دست مردم می‌رسه دلان محصولات را از کشاورزان به قیمت اندک می‌خرند به هم مردم دولا پنهانی اندازه‌اند وزارتخانه را ول کرد می‌رفت سر زمین‌های کشاورزی می‌ایستاد نظارت می‌کرد تا محصولات به دست مصرف‌کننده واقعی برسه. حتی به صورت نمادین گفته بود: باید سر هر زمین به مترسک بنذاریم تا موجودات عجیب غریب به زمین‌های کشاورزی هجوم نبرند. منظوریم از موجودات عجیب غریب «دلال‌ها» بود. گفتم اینجا که گفتمی صحت داشت؟ گفت فرض کن صحت داره اما آیا مدیران ما هم اینجوریند؟ من نمی‌خوام مدیران ژاپنی را چوب کتب سر مدیران خادم و نوکر خودمون اما آرزو به دلمون موند که به روزی به مسئولی پس از اشتباه با بروز مشکلات مدیریتی‌اش بگوید: آهای ملت، روش‌ها ما اشتباه بود ببخشید. عذرخواهی کنه، تعظیم کنه مثل ژاپنی‌ها دولا بشه. خدا رحمتش کنه بی‌بی‌خانوم تو می‌گفت: تعظیم نمی‌کنند چون دیسک کمر دارند دولا شدن براشون خوب نیست! وگرنه کی بخیه که ما هم مثل ژاپنی‌ها کار کنیم زندگی کنیم. خوش باشیم.

امام علی (ع): دنیا سایه ای است رفتنی.



حافظ نامه ظریفی به گمان یکی از کارشناسان مسکن نما آمد و گفت حافظا! با ریزش نرخ دلار و سکه نرخ مسکن نیز گفتم ریزش دارد تو را به شاخه نبات در باره ریزش قیمت مسکن من کارشناس مسکن را پندی ده. در فال وی گفتم: خاک وجود ما را از آب دیده گل کن وبران سراسری دل را گاه عمارت آمد

در تفسیر شعر گفتمیم دست گرانی مسکن خاک شدیم و از اشک ما آب و خاک درهم آمیزد و گل می‌شود بعد آن گل را برسرمی کنیم! لیکن مراد از «ویران‌سرای دل را گاه عمارتی آمد» یعنی ویرانه هم باشم اگر عمارتی یا همان «خانه» برای اهل بی‌خانه مهیا شود آباد شوند!

آفتاب

اذان ظهر ۱۲:۱۱ | اذان مغرب ۲۰:۴۰ | اذان صبح فردا ۴:۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۶:۰۲

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری سردبیر: سعید علی‌رضا کرمی تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فرامانی (به سمت هفت تیر) کوچه ۲۶ پلاک ۱۰-۱ طبقه اول واحد یک امور آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲ تلفن: ۸۸۳۲۱۳۹۹-۸ - ۸۸۳۲۱۳۹۹-۸ نامبر: ۴۴۵۴۵-۷۶-۷ تلفن: ۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲-۰۹۱۲ تویج: تلفن: ۹۱۲۸۱۹۷۷۸۲-۰۹۱۲ دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمن، تلفنکس: ۳۵۲۴۶۹۱۹-۰۳۵ مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

پنجشنبه ۲۷ تیر ۱۳۹۸ | سال ۱۲ | شماره ۵۰۶

آفتاب فلش بک سیاسی

روزنامه آفتاب یزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبرهاشمی‌سنجانی** از مسئولان بنا سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخيص مصلحت نظام، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت امنای دانشگاه آزاد اسلامی بوده‌هاشمی همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود.

مردم بساط نهضت آزادی را به‌هم ریختند

چهارم آبان ۱۳۶۲

تمام روز در خانه بودم. آقای رئیس‌جمهور، نماز جمعه را اقامه کردند. با شخصیت‌وزیر درباره وزاری جدید، تلفنی صحبت کردم. قرار شد در هفته آینده، جلسه‌ای داشته باشیم. شب، بچه‌ها مهمان داشتند؛ خانواده اخوی مرحوم. مقاری از وقت را هم با دیدن فیلمی از ویدئو صرف کردم و اکثر وقت به مطالعه گزارش‌ها گذشت. امروز عصر، نهضت آزادی اعلام میثینگی به نام «سمنیار تاملین آزادی انتخابات» کرده است. وزارت کشور اجازه نداده و مردم جمع شده و بساط آنها را به هم ریخته‌اند و نیروهای پلیس و کمیته آنها را نجات داده و به خانه‌هایشان برده‌اند.

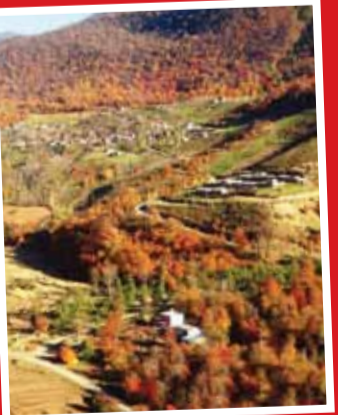
شنبه ۱۷ آبان ۱۳۶۲

تمام روز در خانه بودم. پیش از ظهر اخوی محمد آمد و درباره شورای سرپرستی صدا و سیما و برنامه‌های آن و توسعه پوشش آن مخصوصاً در بخش برون‌مرزی مذاکره شد. احمد اقا هم آمد و درباره جنگ و مضمون پیام فهد شاه عربستان به امام صحبت شد. فهد در پیام خود، اظهار دوستی کرده و از احتمال بستن تنگه هرمز نگران است و پیشنهاد تحسین روابط داده است. من نظر دادم که دربارۀ روابط باید بگویم که سه مسئله مهم داریم: ۱- قطع کمک آنها به عراق ۲- همکاری در مسائل نفت و عدم حمایت از منافق غرب ۳- همکاری در مبارزه با اسرائیل. اولی فوری است و دوم و سوم در جریان عمل معلوم می‌شود. درباره تنگه هرمز هم، ما خواهان امنیت آن هستیم و تا مجبور نشویم آن را نمی‌بندیم. اجبار هم در صورتی است که خطر نفت ما قطع شود. این هم اگر بشود به خاطر حمایت از صدام است؛ بنابراین مسئول دیگران هستید، اگر حمایت نکنید، به اینجا نمی‌رسیم. درباره نمازجمعه و تعیین موضع قاطع در جنگ هم تصمیماتی اتخاذ شد که دنبال کنیم.

قرار بود، عصر به دیدن عمل نیمچه تانک اتوماتیک تازه اختراع شد بروم؛ آماده نشده بود و تاخیر افتاد. با آقای رئیس‌جمهور درباره مسائلی، تلفنی بحث شد. آقای ابوالفضل توکلی بینا رئیس سازمان حج آمد و گزارشی از عملکرد حج گذشته داد و قرار شد، تلاش کنیم تا در سال آینده یکصد و پنجاه هزار نفر به حج بروند. برای کاندیدا شدن در مجلس آینده از حوزه تهران مشورت کرد. شب بچه‌ها مهمان بودند و من تنها بودم. ... ادامه دارد



بازار میوه و تره‌بار در شهر لاهو پاکستان



ایرینش سیاه ایران
در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی توابع علی‌آباد کنترول و در بخش مرکزی دهستان زرین گل، روستای سیاه رودبار قرار دارد. علت نام گذاری این روستا به نام سیاه رودبار رودخانه‌ای است که در این روستا جریان دارد و آب آن شور است و از درون جنگل منشأ می‌گیرد، به همین خاطر جلبک خاصی در این رودخانه زندگی می‌پوشاند، به طوری که انگار سطح رودخانه سبز تیره است. به همین سبب به آن سیاه رودبار گفته می‌شود

کمپین‌های نمادین و ضعیف مردم در مواجهه با گرانی مسکن ستایش از عملکرد مشاورین املاک بندرعباس

یکی از کاربران در این مورد نوشته است: «حسنت به این افراد باشرف» کاربر دیگری گفته است: «متأسفانه در تهران اکثر بنگاه‌های املاک به صورت باند عمل می‌کنند و قیمت‌های محله را تعیین می‌کنند.»

دیگری نوشت: «واقعا درست گفتند قدیمی‌ها که: سزای گرون‌فروش نخردین هست.» کاربران دیگر نوشته‌اند: «چقد جالبه دم املاکیا بندرعباسیمون گرم... امیدوارم این رویه به تهران هم برسه»، «این کار علاوه بر اینکه به نفع مردم و قشر آسیب‌پذیر جامعه هست به نفع خود مشاورین املاک هست چون باعث میشه قیمت‌ها بیاد پایین معاملات رونق بگیره خوب بالطبع کار و کاسبی املاکی‌ها هم بهتر میشه.»

متأسفانه ما ادم‌ها در مورد هر گروه یا شغلی در جامعه یک تصویر ذهنی داریم. اما متأسفانه به دلیل بد کارکردن بعضی از مشاورین املاک در گذشته و گاها مشاورین بی تجربه در حال مردم بدبینانه‌ترین حالت رو به مشاورین املاک دارن.

در صورتی که در همه اصناف آدم خوب و بد داریم» یکی از کاربران نظری متفاوت دارد و در این مورد می‌نویسد: «وقتی میانگین قیمت

یک متر آپارتمان مثلا در همان بندرعباس حدود ده میلیون تومان است، یک واحد صد متری می‌شود یک میلیارد تومان. حالا صاحبخانه یا چه قیمتی اجاره بدهد که هم خودش و هم مستاجر راضی باشد؟ بالاخره وقتی قیمت ملک سه برابر بالا برود، قیمت اجاره هم حداقل دو برابر می‌شود. مگر چیزهای دیگر قیمت سه برابر نشده؟ آن صاحبخانه مگر کالاهای مورد نیازش را ارزان می‌خرد؟ از خوراکی بگیر تا ماشین و موبایل و لوازم خانگی و دارو... اصناف داشته باشید و همه چیز را از چشم صاحبخانه‌ها نبینید؟ ارزش پول ملی ما سقوط کرده و دود آن به چشم همه به ویژه فقرا می‌رود. این تقصیر صاحبخانه‌هاست؟»



یک متر آپارتمان مثلا در همان بندرعباس حدود ده میلیون تومان است، یک واحد صد متری می‌شود یک میلیارد تومان. حالا صاحبخانه یا چه قیمتی اجاره بدهد که هم خودش و هم مستاجر راضی باشد؟ بالاخره وقتی قیمت ملک سه برابر بالا برود، قیمت اجاره هم حداقل دو برابر می‌شود. مگر چیزهای دیگر قیمت سه برابر نشده؟ آن صاحبخانه مگر کالاهای مورد نیازش را ارزان می‌خرد؟ از خوراکی بگیر تا ماشین و موبایل و لوازم خانگی و دارو... اصناف داشته باشید و همه چیز را از چشم صاحبخانه‌ها نبینید؟ ارزش پول ملی ما سقوط کرده و دود آن به چشم همه به ویژه فقرا می‌رود. این تقصیر صاحبخانه‌هاست؟»

واکنش کاربران

این اقدام بندرعباسی‌ها مورد توجه کاربران شبکه‌های اجتماعی نیز قرار گرفته است.

ضرب‌وشتم جنون آمیز زن ویتنامی توسط شوهرش!

بدن او می‌گوید. این در حالی است که در چندقدمی این مرد دیوانه پسر ۲ساله‌اش حضور دارد و در حالی که از دیدن صحنه وحشتناک کتک خوردن مادرش وحشت کرده و به شدت گریه می‌کند دیده می‌شود. بنا به گزارش رسانه‌های محلی کره جنوبی این حادثه در تاریخ ۴جولای و در شهر «یونگنام» واقع در استان جولا رخ داد. پس از انتشار این ویدئو این مرد در تاریخ ۶ جولای توسط پلیس کره جنوبی و به اتهام سوءاستفاده و اذیت و آزار همسر و فرزندش بازداشت شد. همسر ویتنامی این مرد به رسانه‌های کره‌ای گفت شوهرش به دلیل آنکه او نمی‌تواند به صورت سلیس و روان کره‌ای صحبت کند او را مورد ضرب‌وشتم قرار داده است.



دلیلی مضحک و تنها به خاطر آنکه همسر ویتنامی‌اش قادر به صحبت کردن با زبان کره‌ای به شکلی روان نبود او را به باد کتک گرفت. این مرد که هویتش «کیم» اعلام شده است به مدت بیش از ۳ ساعت و با این ادعا که سایر مردان نیز مانند او عمل می‌کنند زن بیچاره‌اش را در مقابل چشمان وحشت‌زده و گریان کودکش مورد ضرب‌وشتم قرار داد. ویدئویی که منتشر شده است اقدام جنون‌آمیز این مرد کره‌ای را به تصویر می‌کشد. در این ویدئو مشاهده می‌شود در حالی که زن بیچاره در کنار یک کمد پناه گرفته است شوهر او درحالی‌که بر سرش فریاد می‌زند: «هگه من به تو نگفتم که تو در ویتنام زندگی نمی‌کنی؟» به طور پیاپی با مشت و لگد به سر و صورت

مرد کره‌ای به دلیل مضحکی در یک اقدام جنون‌آمیز و وحشتناک در مقابل چشمان وحشت‌زده و گریان کودک خردسالش اقدام به کتک زدن همسر ویتنامی‌اش کرد.به گزارش باشگاه خبرنگاران، متأسفانه برخی مردان قدرت مردانگی را در ضعیف‌کشی و اعمال زور به زنان می‌دانند، حال آنکه این قدرت از روز نخست خلقت به آن‌ها در واقع برای مراقبت از زنان داده شد. بدون شک امروزه کتک زدن زن یکی از مشخصات مردان زورگو و بی‌منطق است به ویژه آنکه این عمل در مقابل کودکان انجام شود. مانند اقدام جنون‌آمیز یک مرد جوان کره‌ای که با کتک زدن همسرش مقابل کودک خردسال خود به سوزه رسانه‌ها در این کشور تبدیل شد. این مرد خشن و زورگو به

اقدام غیر متمدنانه گردشگران در سواحل یونان!

شده است رفتار وحشیانه گردشگران با یک شمشیرماهی در سواحل یونان را به تصویر می‌کشد. این جانور برای تخم‌گذاری به آبهای کم‌عمق کنار ساحل آمده بود که توسط گردشگران مورد حمله قرار گرفت و کشته شد. این گردشگران پس از دیدن شمشیرماهی ابتدا با تصور اینکه یک کوسه به ساحل آمده است از آب خارج شدند. لحظاتی بعد و پس از آنکه متوجه شدند این جانور یک شمشیرماهی است با سنگ به آن حمله‌ور شدند. ویدئویی که توسط یکی از گردشگران و با تلفن همراه تهیه شده است چگونگی وقوع این حادثه را نشان می‌دهد. در این ویدئو مشاهده می‌شود پس از نزدیک شدن این ماهی به ساحل در حالی که برخی از گردشگران سعی در گرفتن آن دارند برخی دیگر نیز با سنگ این جانور را مورد هدف قرار می‌دهند. در این ویدئو صدای خنده گردشگران در حالی که این ماهی را مورد محاصره قرار داده‌اند شنیده می‌شود. بنابه‌گزارش رسانه‌های محلی یونان این ماهی در این حادثه جان خود را از دست داد. این حادثه در سواحل جزیره اوپا که دومین جزیره بزرگ یونان است رخ داد.

یک شمشیرماهی که برای تخم‌گذاری به آب‌های کم‌عمق کنار ساحل آمده بود توسط عده‌ای از گردشگران در سواحل یونان با سنگ مورد حمله قرار گرفت و کشته شد.به گزارش باشگاه خبرنگاران، ویدئویی که به تازگی منتشر



خاطره بازی AFC با دیدار تیم ملی فوتبال ایران و ژاپن

صفحه توئیتر کنفدراسیون فوتبال آسیا تصاویری از بازی خاطره‌انگیز تیم ملی فوتبال ایران و ژاپن در سال ۱۹۹۷ منتشر کرد. تیم ملی فوتبال ایران در روز ۱۶ نوامبر ۱۹۹۷ و در مرحله مقدماتی جام جهانی ۱۹۹۸ به مصاف قاره آسیا بود که با قانون گل طلایی سرنوشت آن معلوم شد. بزرگانی چون کازو، ناکاتا، دایچی، خداداد عزیزی و مهدوی‌کیا در آن دیدار درخشیدند. ژاپن برای اولین بار در آن سال به جام جهانی رسید و در گروه H برابر آرژانتین، جامائیکا و کرواسی قرار گرفت و با سه شکست در قعر جدول جای گرفت ولی تیم ملی ایران با شکست استرالیا در پلی‌آف به عنوان آخرین تیم راهی جام جهانی شد و در جام جهانی با برتری دو بر یک برابر آمریکا به اولین پیروزی خود در جام جهانی رسید ولی شکست یک بر صفر برابر یوگسلاوی و دو بر صفر برابر آلمان باعث شد تیم جلال طلایی از رسیدن به مرحله بعد بازماند.



آفتاب دیالوگ



من به طرح دارم. به آدمایی که از زندگی خسته شدند کمکشون می‌کنم خلاصشون می‌کنم!

ما همه با هم هستیم - کمال تبریزی

نکته

همه‌شتابانیم، اما کجا؟

علی اکبر فرقانی روزنامه‌نگار

مطالعه زیاد فکر را بازتر و انسان را با دانش آشنا و اهل پژوهش بار می‌آورد. دریافت اطلاعات باعث می‌شود معلومات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی انسان فروزن شود. اما این رووها بیشتر مردم وفتشان را به جای مطالعه صرف شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. زمانی در زندگی‌های سنتی گذشته جایی برای مجله، کتاب داستان، شنیدن حکایت، گوش دادن به قصه‌های مادر-بزرگ بود و شنیدن اخباری که پدر از روزنامه با صدای بلند می‌خواند. پدر سعی می‌کرد بیشتر اخبار خوش را بخواند که روحیه‌ها شاد شود. متأسفانه زندگی دیجیتال امروز و موبایل و اپلیکیشن و ماهواره، زندگی‌ها را چندپاره کرده است. هرکس در دنیا پاره خودش است. حتی برخی زندگی آواتار دارند یعنی زنده‌اند ولی دیگر در این دنیا نیستند. زندگی مجازی، روح‌ها را از هم جدا کرده. من روحیه فرزندان را نمی‌شناسم و روحیه من برای فرزندان بیگانه شده است. گرچه ارتباط تصویری و الکترونیکی با دورترین نقطه جهان آسان‌تر است اما همان نسبت انسان‌ها فرسنگ‌ها از هم دور شده‌اند. امروز ما حتی دوست نداریم حضوری و چهره به چهره، دوکلمه با هم بگیم بزیم و صدای هم را بشنویم!